

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۴ دسمبر ۲۰۲۲

ورزش یکی از ابزارهای مهم برای حکومت اسلامی ایران!

فوتبال یکی از اجتماعی‌ترین و جذاب‌ترین ورزش‌های جهان است. علاقه زیاد مردم به این ورزش باعث شده تا از یک توجه و سوءاستفاده سیاسی دولت‌ها به‌ویژه گرایش‌های ناسیونالیستی و فاشیستی و از سوی دیگر، حجم بزرگی از منابع مالی به آن جلب گردد. از این‌رو، ورزش از مسیر سالم و واقعی خود خارج گشته و به همین دلیل بسیاری فوتبال را نوعی ابزار سیاست و صنعت می‌دانند. در نتیجه فوتبال توانسته توجه دولت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاران را به‌خود جلب کند.

حکومت‌های سرمایه‌داری، به‌ویژه نوع هارتر آن‌ها، سعی می‌کنند جریان‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی و سیاسی را با سیاست‌ها و ایدئولوژی خود همراه سازند تا بتوانند از آن‌ها به نفع حاکمیت خود بهره‌برداری و سوءاستفاده کنند. اما اگر در این راه موفق نبودند سعی می‌کنند آن جریان و افراد را سرکوب کنند و از سر راه خود بردارند.

حکومت اسلامی ایران، یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های عصر حاضر است که از یک‌سو تمام مخالفین و حتی منتقدین خود را کشتار و سرکوب می‌کند و از سوی دیگر، سعی دارد از جریان‌های هنری و ورزشی به‌نفع سیاست‌های مستبدانه و غیرانسانی خود سوءاستفاده سیاسی کند.

۴۳ سال است که زنان بدون روسری و پوشش اسلامی مورد دلخواه حکومت، به‌طور سیستماتیک سرکوب شده‌اند. اما در پی پیروزی تیم فوتبال حکومت اسلامی ایران مقابل ولز، صحنه‌های بی‌سابقه‌ای در کشور ایجاد شد که شگفت‌انگیز اند.

در حالی که در شرایط عادی و دایمی، همواره حجاب اسلامی و اجباری زنان آشکارترین نشانه‌ای است که هویت و گرایش سیاسی را نمایش دهد، رعایت حجاب اسلامی بیرونی‌ترین و ظاهری‌ترین نشانه تعلق به حکومت اسلامی و هنجارهای آن است، می‌توان تصور کرد زنانی که در این نمایش چندش‌آور نیروهای امنیتی حکومت، پوشش اسلامی را رعایت نکرده‌اند عمدتاً تعلق به حکومت اسلامی دارند و مخالف آن نیستند. پیش‌تر نیز در مراسم‌های حکومتی از جمله نمایش‌های ۲۲ بهمن، تصاویری که رسانه‌های حکومتی منتشر کرده‌اند، چنین زنانی با عکس‌های خمینی و یا خامنه‌ای حضور دارند.

تصاویری از رقص و پایکوبی ماموران پلیس و نیروهای امنیتی تا زنان و دختران بدون حجاب رسمی در خیابان‌های کشور، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های حکومتی داشته است. این مسائل جزئی از ریاکاری و حقه بازی حکومت اسلامی زن‌ستیز و آزادی‌ستیز است، و تنها مربوط به روزهای خاصی است. گشت ارشاد حکومت اسلامی، مهسا امینی را به دلیل «بدحجابی» کشت که اتفاقاً این دختر جوان خود را در حجاب پیچیده بود و هیچ شباهتی به «بی‌حجاب» حکومتی‌ها که در تصاویر زیر دیده می‌شود، نداشت.



خیزش انقلابی امسال مردم ایران، هم‌زمان با جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ شده است. از ۷۸ روزی که از کشتن مهسا امینی می‌گذرد و در این مدت اعتراضات و اعتصابات در جریان بود و هنوز هم ادامه دارد ماموران سرکوبگر حکومتی، صدها تن از معترضین از جمله کودکان را کشته و هزاران تن دیگر را نیز دستگیر و زندانی کرده‌اند. این خیزش افکار عمومی تمام جهانیان را به خود جلب کرده است. اکنون شعار «زن، زندگی، آزادی» به همه زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. حتی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی مجبور شده‌اند در حرف هم شده از این جنبش انقلابی مردم ایران به رهبری زنان حمایت کنند.

در چنین وضعیتی، تیم فوتبال ایران پس از دیدار با ابراهیم رئیسی، رییس جمهور قاتل جمهوری اسلامی راهی قطر شدند. این اقدام فوتبال‌لیست‌ها خشم مردم معترض را برانگیخت. چرا که این اقدام اعضای تیم فوتبال ایران، نوعی دهن‌کجی به جنبش انقلابی و بی‌احترامی به جان باختگان بود که به درستی از سوی مردم، تیم فوتبال حکومتی نامیده شدند.

حکومت اسلامی ایران، با حساب کردن روی احتمال صعود تیم به مرحله بعدی بازی‌ها، برنامه‌های فراوانی برای بهره‌برداری تبلیغاتی از این موقعیت چیده بود و از جمله این احتمال وجود داشت که روز چهارشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۱، تعطیلی سراسری اعلام شود.

حذف تیم فوتبال حکومت بچه‌کش جمهوری اسلامی از جام جهانی؛ باعث ابراز شادی مردم در ده‌ها شهر ایران شد. این شادی مردم که اساساً بر علیه حکومت بوده با انتقاد شدید فرمانده سپاه پاسداران نیز قرار گرفته است.

در پی شکست تیم فوتبال حکومت کودک‌کش اسلامی از تیم آمریکا در رقابت‌های جام جهانی و حذف آن از ادامه بازی‌ها، مردم در شهرهای مختلف ایران از این شکست ابراز شادمانی کردند.

حکومت ایران با حساب کردن روی احتمال صعود تیم به مرحله بعدی بازی‌ها برنامه‌های فراوانی برای بهره‌برداری تبلیغاتی از این موقعیت چیده بود و از جمله این احتمال وجود داشت که روز چهارشنبه نهم آذرماه تعطیلی سراسری اعلام شود.

تیم فوتبال جمهوری اسلامی تنها با یک تساوی هم به مرحله بعدی بازی‌ها صعود می‌کرد اما با شکست در مقابل تیم آمریکا، شانس خود را از دست داد و با ناکامی رقابت‌ها را ترک کرد.

اما در پی شکست تیم فوتبال حکومت اسلامی از تیم آمریکا در رقابت‌های جام جهانی و حذف آن از ادامه بازی‌ها، مردم در شهرهای مختلف ایران از این شکست ابراز شادمانی کردند.

بلافاصله پس از پایان بازی مردم در بسیاری از شهرهای ایران عمدتاً با به صدا درآوردن بوق خودروها خوشحالی خود از شکست این تیم را ابراز کردند.

در برخی مناطق هم تجمع‌های خیابانی عمده‌ای شکل گرفت از جمله در جوانرود و مهاباد که مردم با رقص کردی این اتفاق را جشن گرفتند.

شهرهایی چون تهران، همدان، اردبیل، مریوان، بندرعباس، دزفول، اسلامشهر، زاهدان، روانسر، ایلام، اهواز، کرمانشاه، رشت، اراک، کرمان، بهبهان، تبریز و گرگان صحنه حضور مردم بود.

بسیاری از مردم در ویدیوهایی که از شادی خود پس از شکست تیم جمهوری اسلامی به رسانه‌ها فرستاده‌اند از این که نقشه حکومت برای بهره‌برداری از جام‌جهانی نقش بر آب شده، ابراز خرسندی کردند.

پروپاگاندای سیاسی حکومت اسلامی

اعتراضات سراسری در ایران پس از مرگ مهسا امینی که تاکنون نزدیک به پانصد کشته از جمله چند ده کودک و نوجوان داشته، تحولاتی در ایران به‌وجود آورده است که دیگر هیچ چیز، مانند روزهای قبل از مرگ مهسا نیست.

در این میان ورزشکاران و به‌خصوص فوتبالیست‌ها هم مانند هنرمندان و سلبریتی‌ها زیر نظر دقیق مردم قرار دارند و رفتار آن‌ها رصد می‌شود. مردمی که از سرکوب خشن حکومت و نشنیدن صدای اعتراضی آن‌ها به ستوه آمده‌اند، کوچکترین واکنش نخبه‌های جامعه را زیر نظر دارند و قضاوت می‌کنند. این‌که با مردم هستند یا با حکومت و در این روزها دیگر بی‌طرفی و وسط بازی برایشان فاقد معنا است.

برخی از ورزشکاران ایران تاکنون واکنش‌های زیادی در برابر کشتار معترضان توسط حکومت داشته است. از بی‌حجاب شدن چندین ورزشکار زن در مسابقات جهانی و داخلی و همراهی نکردن با سرود حکومت اسلامی توسط بسکتبالیست‌ها و هندبالیست‌ها و تیم والیبال ساحلی و والیبال نشسته تا حرکت با دست سعید پیرامون که پس از گل پیروزی به برزیل در جام فوتبال ساحلی به شکل نمادین موهای خود را برید تا هاشم شیرعلی، که دوبار برای تیمش گل زد و هر بار، به جای خوشحالی تصویر معروف شکنجه‌خدا نور لجه‌ای را بازسازی کرد.



علی دایی و علی کریمی هم‌دردی خود با مردم را در اعتراضات نشان داده‌اند.

واکنش‌های بازیکنان فوتبال تیم به اصطلاح «ملی» ایران به اعتراضات سراسری ایران فراز و نشیب زیادی داشته است. در آخرین اظهار نظری که روز جمعه بازیکنان تیم ملی ایران داشتند بار دیگر تأیید کردند که فقط بر روی فوتبال تمرکز دارند.

کریم انصاری فرد به سؤالی درباره اعتراضات ایران پاسخ نداد و گفت: «ما یک تیم واقعی هستیم و به همین خاطر از یکدیگر دفاع می‌کنیم. روز گذشته نیز این سؤال طرح شد. با این‌که شما هر روز همان سؤال را می‌پرسید مشکلی نداریم و احترام می‌گذاریم. همان‌طور که من وظیفه دارم بازی کنم، وظیفه شما هم سؤال کردن است. ولی همه باید کارمان را در حرفه خودمان درست انجام بدهیم. من از علیرضا جهانبخش دفاع می‌کنم به خاطر اینکه سؤالی که از او پرسیده شد همین بود. ولی جوابی که ما می‌دهیم چیزی نیست که بعداً شما آن را نوشته و یا تحلیل می‌کنید.»

علیرضا جهانبخش، بازیکن تیم ملی فوتبال ایران، روز پنج‌شنبه گذشته گفته بود این تیم می‌خواهد بر مسابقات خود تمرکز کند و به مسائل سیاسی مرتبط با اعتراضات سراسری کاری ندارد.

جهانبخش در پاسخ به سؤالی درباره احتمال خودداری از خواندن سرود ملی جمهوری اسلامی گفته بود: «شادی کردن یا خواندن سرود ملی تصمیمی شخصی است و سعی می‌کنیم آن را بزرگ نکنیم.»

کریم انصاری فرد درباره حضور زنان ایرانی در استادیوم‌های فوتبال هم گفت: «این باعث افتخار من، تیم، مردم و کشورم است. جام جهانی برای همه دنیاست که از این تورنمنت لذت ببرند و هیچ تفاوتی بین آقایان و بانوان نیست. ما برای تمام زنان و مردان کشور بازی می‌کنیم. وقتی می‌گویم مردم کشورم هیچ استثنایی وجود ندارد و هم شامل آقایان می‌شود و هم شامل بانوان.»

کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در نشست خبری تیم ملی در ابتدا گفته بود که بازیکنان آزادند تا در همبستگی با اعتراضات سراسری مردم کشورشان «برای حقوق زنان»، در جریان بازی‌های جام جهانی قطر به جمهوری اسلامی اعتراض کنند، اما باید این کار را در «چارچوب قوانین مسابقات» انجام دهند. اما پس از آن در پاسخ به این سؤال که «سرمربی‌گری تیم کشوری که حقوق زنان در آن رعایت نمی‌شود چه منفعتی برای شما دارد؟» واکنش تندى نشان داد و به خبرنگار گفت: «چه مبلغی برای این سؤال می‌دهی تا پاسخت را بدهم؟»

اما یکی از اولین منتقدان به برخورد حکومت با معترضان، سردار آزمون بود که پس از مرگ مهسا، برای هم دردی پستی اینستاگرامی منتشر کرد اما بعداً واکنش به جان باختن مهسا امینی را که موجب «اذیت شدن دوستان» شده و «آرامش» تیم ملی را به هم زده «عجولانه» خواند و گفت: «شرمنده‌ام.» گرچه او بعداً چندین پست اینستاگرامی در ارتباط با اعتراضات و در حمایت از زنان منتشر کرد که گمانه‌زنی‌هایی درباره حذف او از تیم ملی را به همراه داشت.



اما گفته می‌شود اردوی تدارکاتی تیم ملی و عکس‌های خندان بازیکنان و ملاقات با ابراهیم رئیسی، این تیم را وارد بحران بیشتری کرد و بر خشم مخالفان حضور در قطر افزود.

یحیی گل محمدی مربی و بازیکن سابق تیم ملی که پیش از این هم بارها با معترضان ابراز همدردی کرده بود دیدار با رئیسی را «بهترین فرصت برای رساندن صدای مردم داغ‌دیده و مظلوم ایران دانست که از دست رفت.» او خطاب به بازیکنان تیم ملی نوشت: «توی درس معرفت نمی‌شه بیش‌تر از صفر به شما داد.»

مجید نامجو مطلق، بازیکن پیشین تیم ملی در واکنش به این دیدار، در اینستاگرام نوشت: «این تیم ملی ما نیست.» ملاقات با ابراهیم رئیسی پیش از حضور در جام جهانی در حالی رخ داد که علی کریمی و علی دایی و جواد نکونام دعوت فیفا را برای حضور در جام جهانی نپذیرفتند. علی دایی درباره عدم حضورش نوشت: «در این روزها که حال دل اکثر ما خوب نیست می‌خواهم که کنار شما در میهنم باشم و همدردی خود را با تمام خانواده‌هایی که عزیزان خود را در این روزها از دست داده‌اند اعلام کنم.» علی کریمی هم با اشاره به مخفی کردن نامه دعوتش توسط فدراسیون فوتبال ایران گفت: «در حال حاضر برای من مسائل خیلی مهم‌تر از فوتبال وجود دارد و می‌خواهم در کنار هموطنانم و صدای آن‌ها باشم.» جواد نکونام پیش از این هم دعوت کی‌روش برای دستیاری تیم ملی در جام جهانی را رد کرده بود.

سوءاستفاده سیاسی سپاه پاسداران از تیم فوتبال ایران در قطر

ساختار تیم فوتبالی که به نمایندگی از حکومت اسلامی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر شرکت کرد، از ماه‌ها پیش با دخالت سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و با انتخاب مهدی تاج به‌عنوان رییس فدراسیون فوتبال شکل گرفت و پس از بازگشت کارلوس کی‌روش به دنیای فوتبال در ایران، کامل شد.

هک خبرگزاری فارس و انتشار بولتن‌های محرمانه این خبرگزاری، حالا فاش کرده است که مهدی تاج برای تصدی ریاست فدراسیون فوتبال حمایت سازمان اطلاعات سپاه پاسداران را داشته و به علی خامنه‌ای ضمانت‌های لازم برای اجرای فرمان‌هایش در حوزه فوتبال را داده است.

این اسناد همچنین نشان می‌دهد که «نهادهای امنیتی هیچ‌گاه به استعلام‌ها درباره (صلاحیت) تاج پاسخ» ندادند تا مقدمات حضور او در فدراسیون فوتبال را فراهم کنند.

مهدی تاج با وجود گزارش‌های متعدد از «فسادهای مالی گسترده‌اش»، هشتم شهریورماه برای دومین بار با حمایت خبرگزاری فارس و سایر رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران، رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی شد.

تاج در مدت کوتاهی پس از حضور در فدراسیون، کارلوس کی‌روش، مربی پرتغالی را به هدایت تیم فوتبال بازگرداند تا از تجربه او برای شکست احتمالی تیم‌های انگلیس و آمریکا در قطر استفاده کند.

گروه هکری بلک ریوارد برای اولین بار دو سند متنی را که در دو فایل پی‌دی‌اف تهیه شده و از عملیات هک کردن خبرگزاری فارس به دست آمده، منتشر کرد.

این دو سند که فایل آن به‌دست رادیوهای فارسی‌زبان بین‌المللی نیز رسیده، برنامه‌ریزی و راهکارهای جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری سیاسی از جام جهانی فوتبال، به‌ویژه در راستای سرکوب هرگونه اعتراض از سوی بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران را به‌خوبی نشان می‌دهد.

پدیدار شدن «دوگانگی میان تیم ملی ایران و تیم ملی جمهوری اسلامی» در جامعه ایران، ازجمله برجسته‌ترین نگرانی‌های تهیه‌کنندگان این سند است. در بخشی دیگر از این دو سند نیز به موضوع تهدید بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران از سوی مقامات جمهوری اسلامی و هماهنگی کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم، با حکومت جمهوری اسلامی اشاره شده است.

این اسناد که پیش از آغاز جام جهانی قطر تدوین شده، شامل توصیه‌هایی به مقام‌های حکومت اسلامی در زمینه حضور تیم ملی فوتبال ایران در این رویداد بین‌المللی ورزشی در چارچوب «نبرد شناختی» است.

فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی و در راس همه فرماندهان سپاه پاسداران از مدت‌ها پیش و به‌ویژه در جریان اعتراضات جاری در ایران، مدعی وجود یک «نبرد شناختی» علیه جمهوری اسلامی شده‌اند.

اواسط آبان‌ماه، عبدالرحیم موسوی، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ایران نگرانی کرده بود که «دشمنان با جنگ شناختی موفق شده‌اند در ادراک و شناخت برخی از مردم ما تاثیر بگذارند.»

یکی از این دو فایل، متنی چهارده صفحه‌ای با عنوان «طرح عملیات جام جهانی» است که از سوی سازمانی به نام «مرکز شمس» نوشته شده است.

در این متن، با تاکید بر این که «بی‌تفاوتی جامعه نسبت به بازی‌های جام جهانی» این دوره و همچنین «ایجاد دوگانگی میان تیم ملی ایران و تیم ملی جمهوری اسلامی» تهدیدهایی برای نظام جمهوری اسلامی است، راهکارهایی به ویژه در زمینه «فعالیت رسانه‌ای» ارائه شده تا «بهرمرداری‌های شناختی لازم» کسب شود.

یکی از این راهکارها، «وعده جوایز و پاداش‌های خوب» به اعضای تیم ملی فوتبال برای پیروزی در مسابقات جام جهانی است که «می‌تواند مادی و معنوی باشد.»

«توجیه» بازیکنان و کادر فنی تیم ملی از سوی «نهادهای امنیتی و دستگاه‌های مسئول»، «کامنیتیگ در حجم انبوه در صفحات شخصی بازیکنان تیم ملی و افراد موثر در امر فوتبال همچون علی دایی» و «آمادگی برگزاری جشن پیروزی سراسری در کشور» و «تمهیدات» وزارت خارجه جمهوری اسلامی در همکاری با قطر برای «تقلیل حداکثری تهدیدهای محیطی بازی‌های جام جهانی» از دیگر توصیه‌های ارائه شده در این متن است.

همزمان، بر اساس ویدیوها و گزارش‌های منتشرشده از بازی تیم‌های ایران و ولز در قطر، ایرانیان معترض از ورود با لباس‌ها و پرچم‌های اعتراضی و منقش به طرح شیر و خورشید به ورزشگاه قطر منع شدند و برخی نیز از سوی ماموران قطر تهدید به اخراج از استادیوم شدند.

همچنین در همین روز داخل و خارج از استادیوم دوحه مملو از هواداران حکومتی تیم ایران بود و پس از پیروزی تیم ایران نیز در داخل ایران، نیروهای امنیتی و یگان‌های ویژه رهبری برگزاری جشن‌های حکومتی پس از این پیروزی را برعهده داشتند.

در فایل دیگری که از هک خبرگزاری فارس به دست آمده، توصیه‌کننده‌های ناشناسی که «سردبیران رسانه‌های جبهه انقلاب» خوانده شده‌اند نیز توصیه‌هایی را برای «مقابله با کنش‌های احتمالی در جام جهانی» به مقام‌های جمهوری اسلامی ارائه کرده‌اند.

در این متن، «مدیریت ذهنی بازیکنان» تیم ملی فوتبال ایران «مهمترین مولفه کنترل» آنان برای جلوگیری از «هرگونه هنجارشکنی» دانسته شده و در این راستا توصیه‌هایی داده شده است.

کنار گذاشته شدن از تیم ملی در صورت هرگونه اقدامی اعتراضی، شامل نخواندن سرود یا مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران و بستن نوار مشکی، از اصلی‌ترین این توصیه‌هاست.

در این متن در زمینه چگونگی تهدید بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران برای جلوگیری از اعتراض آنان آمده که «آینده حرفه‌ای و درآمدهای مالی و معنوی بازیکنان باید هدف گرفته شود و فضای سنگین محرومیت برای آن‌ها تبیین شود.»

همچنین تاکید شده که مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور باید به‌عنوان «یک تابو» برای بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران تبیین شود.

توصیه‌کنندگان همچنین از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواسته‌اند که با انجام مصاحبه یا «طرح‌هایی» عواقب هرگونه اعتراض بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران را «مشخص و با راهکارهای قانونی، فضایی بازدارنده را ایجاد کنند.»

از مسئولان وزارت ورزش و فدراسیون نیز خواسته شده «ذهنیت مماشات را کنار گذاشته و اقدامات قابل مشاهده» انجام دهند.

«ایجاد لشکر رسانه‌ای برای تولید محتوای اثرگذار در فضای مجازی» از دیگر توصیه‌ها در این زمینه است. یکی از نکات مهم این متن، تاکید بر «هماهنگ بودن» کارلوس کی‌روش، سرمربی کروات تیم ملی فوتبال ایران با مقام‌های جمهوری اسلامی است.

در این متن آمده است: «با توجه به هماهنگ بودن کی‌روش هرگونه اقدامی (اعتراضی از سوی بازیکنان) باید در جهت عدم اطاعت‌پذیری از سرمربی معرفی شود.»

پیش‌تر کی‌روش در یک نشست خبری در دوحه قطر به طور ضمنی به بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران نسبت به هرگونه اعتراض هشدار داد و گفت که رفتار بازیکنان باید «با مقررات جام جهانی و روح بازی سازگاری داشته باشد.»

او سه‌شنبه ۲۴ آبان، همچنین خبرنگاری را که سرکوب زنان در ایران را به کی‌روش یادآوری کرد، مسخره کرد. سرمربی تیم فوتبال اعزامی ایران به جام جهانی نیز پس از شکست از تیم انگلیس، خطاب به مردم گفت: «کسانی که نمی‌خواهند تیم ملی را حمایت کنند بهتر است در خانه بمانند، کسی به آن‌ها نیاز ندارد.»

این در حالی بود که بسیاری از ایرانیان حاضر در ورزشگاه در بازی ایران و انگلیس، شعارهایی چون «بی‌شرف بی‌شرف» سر دادند.

پیام فوتبالی فرماندهان کل سپاه و ارتش

خبرگزاری حکومتی ایرنا، نوشت: سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش و سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه در پیام‌های جداگانه‌ای، پیروزی تیم ملی فوتبال در دومین بازی خود در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را تبریک گفتند.

در پیام سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش آمده است: بار دیگر اهتزاز پرچم ایران با برد شیرین تیم ملی فوتبال، شور و شغف و غرور ملی را در ایران سربلند اسلامی برانگیخت.

در پیام سرلشکر موسوی تاکید شده است: پیروزی مردان فوتبال ایران پس از ترنم دل‌نشین سرود ملی کشورمان و با چاشنی غیرت ایرانی، دل مردم عزیزمان را شاد کرد. بهترین هدیه تیم پرتلاش فوتبال، شادی مردم و طنین نام ایران بر بام جهان است.

فرمانده کل ارتش تاکید کرد: این پیروزی را به مردم شریف، تیم غیرتمند فوتبال و همه عاشقان نام ایران عزیز تبریک می‌گویم و امیدوارم با استمرار این موفقیت، سربلندی بیش از پیش کشور عزیزمان را شاهد باشیم.

سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه نیز در پیام تبریکی تاکید کرد: پیروزی غرور انگیز و با شکوه تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران برابر تیم ملی ولز در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را به رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، ملت شریف و قهرمان ایران و یکایک بازیکنان و کادر فنی افتخارآفرین تیم تبریک عرض می‌نمایم.

در بخش دیگر پیام سرلشکر سلامی آمده است: تداوم موفقیت و سربلندی فوتبال کشورمان در ادامه جام جهانی ۲۰۲۲ را از درگاه خداوند متعال طلب می‌کنم.

تیم ملی فوتبال ایران در دومین دیدار از مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر موفق شد روز جمعه با نتیجه ۲ بر صفر برابر تیم ملی ولز به برتری رسد. این نخستین پیروزی ایران برابر یک حریف اروپایی در جام جهانی بود. روزبه چشمی و رامین رضاییان گل‌های ایران را در دقایق تلف شده وقت‌های اضافه به ثمر رساندند. این سومین برد ایران در ادوار جام جهانی بود.

اختلاس و دزدی در تیم‌های ورزشی ایران

اختلاس ۸۰۰ میلیون تومانی کارمندان یکی از تیم‌های تهرانی فوتبال ایران ممکن است به تغییرات مدیریتی اساسی در بدنه این باشگاه ختم شود.

بنا به گزارشات رسانه‌های دولتی، ظاهراً اختلاس‌گران به راحتی از ایران می‌گریزند و یا دستگیر می‌شوند و هیچ‌کس نمی‌داند جریان دادگاهی آن‌ها به کجا رسیده است؟ به عبارت دیگر دزدان آن‌قدر در حاکمیت جایگاه و پایگاه محکمی دارند که بدون هیچ‌گونه ترسی دست به اختلاس‌های میلیاردی می‌زنند.

رسانه‌ها درباره اختلاس‌گران نوشته‌اند؛ نکته قابل توجه این‌جاست که یکی از اختلاس‌کننده‌ها توانسته در روزهای اخیر فرار و ایران را ترک کند و یکی دیگر از افراد مرتبط با این پرونده هم بازداشت شده و تحقیقات درباره نقش او در اختلاس انجام شده ادامه دارد.

فردی که توانسته بعد از اختلاس در باشگاه لیگ برتری ایران را ترک کند، خانمی است که ۵ ماه قبل توسط یکی از مقامات اجرایی باشگاه در امور مالی استخدام و کار خود را شروع می‌کند. یک منبع آگاه به‌خبرگزاری میزان درباره پشت پرده اتفاقات رخ داده گفت:

معمولاً بانک برای چک‌های بالای ۵۰۰ میلیون تومان از مدیر مالی باشگاه استعلام می‌گرفت ولی این بار برای ۴ فقره چک که مجموع آن بیش از ۸۰۰ میلیون تومان بوده، این استعلام گرفته نشده است و کارمندان امور مالی باشگاه توانسته‌اند امضای مدیرعامل را روی چک‌ها جعل کنند و با مراجعه به بانک آن را وصول کنند.

همچنین گفته می‌شود خانم فراری اختلاس‌کننده با مبلغی حدود ۳۸۴ میلیون تومان از ایران فرار کرده و ما بقی این پول به حسابی بانکی منتقل شده که مسئولان باشگاه در حال ردیابی اطلاعات مربوط به صاحب حساب و ارتباط با آن با کسانی هستند که این فاجعه مالی را رقم زده‌اند.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که پای افراد زیادی به این پرونده باز خواهد شد و بدون تردید باشگاه تهرانی موردنظر به زودی با تغییرات اساسی مدیریتی روبه‌رو خواهد شد. طبق شنیده‌ها با توجه به عدم نظارت کافی و استخدام کارمندی که دزد از آب درآمد، این احتمال هم وجود دارد که مدیرعامل باشگاه از کار خود برکنار شود.

به‌علاوه بررسی ترازنامه مالی باشگاه پرسپولیس طی سال‌های ۹۴ و ۹۵ نشان می‌دهد حدود ۶۱ میلیارد از دارایی‌های ثابت مشهود این باشگاه به یکباره ناپدید شده و در هیچ سند مالی قابل ردیابی نیست.

طرفداری- باشگاه پرسپولیس سال‌ها و سال‌هاست که به‌عنوان یک شرکت زیان‌ده در جامعه اقتصادی ایران شناخته می‌شود. اگر ترازنامه مالی این باشگاه در سال ۸۴ را مطالعه کنید متوجه می‌شوید که سرمایه در گردش (دارایی جاری منهای بدهی جاری در یک سال) این شرکت دولتی در این سال منفی ۳ میلیارد و ۶۰۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بوده است. جالب است بدانید طی سال‌های اخیر این وضعیت حتی بدتر شده به طوری که وقتی تراز مالی باشگاه پرسپولیس را در سال ۹۵ مشاهده می‌کنید می‌بینید سرمایه در گردش پرسپولیس در این سال به منفی ۱۳۱ میلیارد و ۹۵۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسیده است.

ایسنا در این باره نوشته؛ این در حالی است که طبق قانون بازرگانی، شرکت‌هایی سودده هستند و می‌توانند به حیات خود ادامه بدهند که سرمایه در گردش آن‌ها همیشه مثبت باشد. البته در این بین نسبت سرمایه در گردش شرکت‌ها همیشه باید دو برابر بدهی آن‌ها باشد. یعنی اگر باشگاهی سرمایه در گردشش دو برابر بدهی‌هایش بود، می‌توان آن باشگاه را یک باشگاه سودده و مناسب قلمداد کرد، این در حالی است که طی سال‌های اخیر نسبت سرمایه در گردش باشگاه پرسپولیس نه تنها دو برابر نبوده بلکه همیشه منفی بوده است.

البته بررسی گزارش مالی باشگاه پرسپولیس نشان می‌دهد این باشگاه طی سال‌های ۹۴-۹۵، ۷۴ میلیارد و ۱۳۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان نیز بدهی مالیاتی دارد. بررسی حساب‌های باشگاه پرسپولیس زیان‌ده بودن این باشگاه را به‌طور کامل اثبات می‌کند اما ما در این گزارش قصد نداریم بیش از پیش به این مسئله بپردازیم اما در اسناد مالی باشگاه پرسپولیس نکته بسیار مهمی وجود دارد که سؤال‌های زیادی را در ذهن ایجاد می‌کند.

طبق این اسناد دارایی‌های ثابت مشهود (املاک و دارایی‌های قابل مشاهده‌ای است که به صورت بلندمدت در اختیار آن مجموعه قرار می‌گیرد) در سال ۹۴، ۶۱ میلیارد و ۵۸۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بوده است که این مبلغ با کاهش بسیار چشمگیری در سال ۹۴ به ۵۰۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. اینکه در فاصله یک سال مبلغ ۶۱ میلیارد و ۶۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان از دارایی‌های ثابت مشهود باشگاه به یکباره کسر می‌گردد، نکته جالب و حائز اهمیت این سند است.

مطابق اسنادی که خبرنگار ایسنا به آن‌ها دست یافته، گزارش ترازنامه مالی - گزارش ذیل - که توسط حسابداران تحت مدیریت علی اکبر طاهری تهیه شده با گزارشی که توسط حسابرسان رسمی موسسه حسابرسی شاخص اندیشان برای راستی‌آزمایی امور مالی باشگاه در مدت مشابه انجام شده متفاوت و اختلاف‌های فاحشی در کسورات و تزارهای منفی و هزینه‌ها دارد.

تمام اعداد و ارقام موجود در گزارش شرکت حسابرس با گزارش تهیه شده توسط باشگاه مغایرت دارد که این مسئله سؤال‌های را در ذهن ایجاد می‌کند.

ایسنا، آخر سر سؤال می‌کند: «براستی چه کسی مسئول این سوءمدیریت‌هاست؟»

چرا هیچ‌کس شنوایی نیست؟!»

وزارت اطلاعات ج.ا.ا رسماً اعلام کرده که باند تحت مدیریت شهره موسوی «یکی از بزرگترین شبکه‌های سازمان‌یافته کلاهبرداری در سطح کشور»، بوده است.

خود وی نیز توسط سربازان گمنام آقا امام زمان بازداشت شده است.

به گزارش پایگاه خبری «اقتصاد سالم»، در این شرایط فدراسیون فوتبال کشور باید توضیح دهد چنین فردی (شهره موسوی) چگونه و براساس کدام قانون و مصلحت؛ همچنان بر صندلی نایب رئیسی فدراسیون فوتبال ایران تکیه زده است.

آیا این وضعیت، هجو و مایه ننگ دستگاه دولتی و سازمان‌های رسمی ایران نیست که یک فرد دستگیر شده توسط نهادهای امنیتی کشور، که متهم به کلاهبرداری سازمان یافته از تعداد زیادی ایرانی است؛ هم‌زمان نایب رییس فدراسیون فوتبال کشور هم باشد و از این سمت خلع نشود؟!

حکومت اسلامی در سال ۱۳۸۹ تصمیم گرفت که در هر یک از تیم‌های فوتبال حاضر در لیگ برتر ایران، یک پایگاه بسیج ایجاد شود. شهریور ۱۳۸۹، سیدمحمد حسین نعمتی، سرپرست کانون بسیج فوتبال تهران، به خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، گفته است که ایجاد پایگاه بسیج، خواسته خود باشگاه‌ها بوده است.

او گفته است يك تیم لیگ برتری برای شهر مشهد نیز خریداری خواهد شد تا مشهد نیز در لیگ برتر نماینده‌ای داشته باشد. و در راس هریک از آن‌ها نیز یک فرمانده سپاه گمارده شود.

سردارانی که یا مدیر عامل باشگاه‌ها هستند و یا ریاست هیئت‌های فوتبال استان‌ها را برعهده دارند و یا در حال خرید و فروش تیم‌ها هستند.

یکی از سردارانی که راه ورود سرداران دیگر به فوتبال ایران را باز کرد، سردار اکبر غمخوار بود که در اوایل دهه ۸۰ به مدیر عاملی پرتعدادترین تیم فوتبال ایران یعنی پرسپولیس انتخاب شد. سرداری که از بنیاد تعاون سپاه و بنیاد مستضعفان به فوتبال آمد و حالا رئیس کانون‌های مسافرتی و جهانگردی ایران است.

یکی دیگر از سرداران شناخته شده فوتبال ایران سردار مصطفی آجورلو است. سرداری که مدتی در باشگاه پاس بود و بعدها به سازمان ورزش شهرداری تهران و سپس باشگاه استیل آذین رفت و تا هفته قبل که به دلیل اختلاف با حسین هدایتی مالک باشگاه بر سر علی کریمی، فوتبالیست مشهور ایرانی از این باشگاه رفت، مدیریت باشگاه استیل آذین را برعهده داشت.

او همچنان رئیس اتحادیه فوتبال ایران است که تشکلی غیررسمی از صاحبان باشگاه‌ها به‌شمار می‌رود. در همدان همه کاره تیم پاس سردار ملاحی است. سردار کریم ملاحی از فرماندهان ارشد سپاه بود که سال‌ها مدیریت باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد را برعهده داشت. سردار ملاحی هم اکنون نیز مدیر عامل تیم پاس همدان از تیم‌های حاضر در لیگ برتر فوتبال ایران است.

در قم نیز سردار احمد شهریاری تصمیم‌گیر اصلی تیم صبا است. سردار شهریاری مدیر عاملی صبای قم یکی دیگر از تیم‌های حاضر در لیگ ایران بر عهده دارد. تیم صبا وابسته به صنایع باتری سازی نیروهای مسلح است و مدیر عامل آن از میان سرداران ارشد انتخاب می‌شود.

هر دو تیم معروف مشهد و خراسان رضوی، یعنی «ابومسلم» و «پیام مقاومت» در سال‌های اخیر همواره توسط سرداران سپاه اداره شده‌اند. سردار علی صلاحی، استاندار کنونی خراسان از دیگر سرداران فوتبال خراسان و ایران است که مدتی مدیر عامل باشگاه پاس و سپس باشگاه پیام مشهد بوده است. سردار هاشم غیاثی راد، جانشین کنونی فرمانده سپاه امام رضا استان خراسان نیز که پیش از این مدیر عامل باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد بوده، هم اکنون از ذی نفوذترین مسولان ورزشی مشهد است. سردار شاکری، نایب رئیس هیات مدیره باشگاه پیام مشهد نیز از دیگر سرداران فوتبال خراسان است.

در تبریز تا همین چند ماه قبل مدیریت پر طرفدارترین تیم شهر یعنی تراکتور سازی بر عهده سردار ناصر شفق بود. خرداد ۱۳۸۹ که سردار ناصر شفق از مدیریت تیم تراکتور سازی تبریز کنار گذاشته شد، از یکی دیگر از سرداران فوتبال تبریز یعنی محمد حسین جعفری به‌عنوان مدیر عامل جدید باشگاه تراکتور سازی تبریز نام برده شد. سردار جعفری از فرماندهان ارشد سپاه استانی عاشورا در شمال غربی ایران است.

در شیراز، سپاه پاسداران رسماً تیم فوتبال فجر مقاومت سپاسی شیراز را در اختیار دارد و رئیس این باشگاه کسی نیست جز سرهنگ جعفر جعفری از فرماندهان ارشد سپاه استان فارس. این تیم سال‌ها است که در لیگ برتر ایران بازی می‌کند و در شیراز محبوبترین تیم است.

اما میلیاردها تومان درآمد فوتبال ایران از جمله تجارت پر سود پخش تلویزیونی مسابقات و آگهی‌های آن تحت نظر سردار عزیز محمدی مدیریت می‌شود.

البته بسیج و سپاه و سرداران آنها هم اکنون در سطوحی بالاتر از فوتبال در ورزش ایران نیز حضور دارند و ریاست آن را سردار محمد آقا میر برعهده داشت. سردار آقا میر پیش از این جانشین فرمانده بسیج تهران، پایتخت ایران، بوده است. او علاوه بر این که رییس سازمان بسیج ورزش است هم چنین رییس سازمان ورزش شهرداری تهران نیز به شمار می‌رود.

سازمان بسیج مستضعفین که يك نیروی شبه‌نظامی است طی سال‌های گذشته با فرماندهی سرتیپ محمد رضا نقدی تلاش کرده تا دامنه شعبات خود را در دانشگاه‌ها، مدارس، کارمندان و اقشار و اصناف مختلف توسعه و گسترش دهد و دامنه نفوذ آنها در ورزش ایران به‌ویژه در فوتبال نیز روزبه‌روز گسترش یافته است.

در کلان‌شهر تهران، سرداران سپاه از شهرداری تهران تا مدیریت بحران شهر، مدیریت لیگ، ریاست اتحادیه فوتبال و باشگاه داری حضوری پر رنگ دارند.

دهه‌هاست که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی و حتی ورزشی کشور، چنگ انداخته‌اند. فرماندهان این سپاه، در مجلس شورای اسلامی و دولت نیز جایگاه مهمی دارند. سپاه حرست مخصوص خود را دارد و هر کسی را که از نظر آنها علیه حاکمیت است دستگیر و زندانی می‌کنند. گاهی فرد دستگیر شده ماه‌ها و سال‌ها در مکان‌های نامعلومی زیر شکنجه‌های جسمی و روانی نگه می‌دارند. همچنین سپاه مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور، به‌ویژه گاز و نفت و پتروشیمی را در اختیار دارند. بسیاری از فرماندهان سپاه، صاحب شرکت و تجارت‌خانه و انواع و اقسام بنگاه‌های فرهنگی و مالی و خبری هستند.

برای مثال مصطفی آجورلو، از فرماندهان سابق لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، مدیرکل تربیت بدنی سپاه پاسداران، مسئول سازمان ورزش شهرداری بود؛ او همچنین از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۹ نیز به ترتیب به عنوان مدیر عامل تیم‌های مقاومت شهید سپاسی شیراز، پاس و استیل آذین بوده و تیم پاس همدان حضور دارد؛ او به ویژه سهام‌دار باشگاه تراکتورسازی تبریز است. در واقع کلیه تیم‌های فوتبال سپاه پاسداران به لحاظ تشکیلاتی زیر نظر او هستند. آجورلو، مدیر مسئول روزنامه پاس جوان و رییس هیات مدیره خبرگزاری ورزش ایران (ایپنا) بود.

ناصر شفق پیش از آن که مدیرعامل تراکتورسازی شود مدیریت ابومسلم را به‌عهده داشت. او سال‌ها مدیر انجمن سینمای دفاع مقدس بود و خود از تهیه‌کنندگان فعال سینما محسوب می‌شد. او همچنین مدتی مدیر عامل باشگاه پاس و مدیر تیم المپیک و عضو هیات ریسه فدراسیون فوتبال است.

یا کریم ملاحی؛ از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران مدیر عامل پاس تهران، پاس همدان و ابومسلم مشهد و تراکتور سازی تبریز بود.

سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و صنایع سنگین کشور و وزارت‌خانه‌ها و سرمایه‌داران وابسته به حاکمیت بسیاری از تیم‌های ورزشی تیم‌های ورزشی کشور را در اختیار دارند:

تراکتورسازی تبریز، فجر سیاسی، پاس تهران، همدان، ماشین‌سازی تبریز، ابومسلم خراسان، کشاورز، بهمن، بانک تجارت، سپاهان، فولاد خوزستان، ذوب آهن، مس سرچشمه، مس کرمان، صنعت نفت آبادان، پرسپولیس، نفت تهران، صبا باطری، شیرین فراز کرمانشاه، شاهین بوشهر، آلمینوم هرمزگان، کوثر لرستان، پیام مقاومت، برق شیراز، پیکان تهران و قزوین، سایپا، شهرداری تبریز، مس رفسنجان، پدیده شانددیز، راه‌آهن، استقلال اهواز، ملوان انزلی، گل گهر درود، داماش لرستان، پارسه ایرانیان، نساجی مازندران، گل گهر سیرجان، فولاد یزد، نفت مسجد سلیمان، نفت و گاز گچساران، صنعت ساری، داماش ایرانیان، استیل آذین، گسترش فولاد و...

به این ترتیب حکومت اسلامی ایران، شدیدتر از حکومت‌های دیکتاتوری گذشته همچون حکومت فاشیستی هیتلر در آلمان و موسولونی در ایتالیا، در این ۴۳ سال حاکمیت خود، همواره تلاش کرده است همه جریان‌های فرهنگی، ورزشی، هنری، سیاسی و اجتماعی را به زائده خود تبدیل کند و آن‌هایی که سعی می‌کنند استقلال خود را حفظ کن می‌شکند و نیست و نابود می‌کند.



باید توجه داشت که ورزش و سیاست به لحاظ تاریخی همواره با هم مرتبط بوده‌اند. بنیتو موسولینی پس از راهپیمایی رم و به قدرت رسیدن در سال ۱۹۲۲، حکومت فاشیست را بنیان نهاد و تا سال ۱۹۴۳ در ایتالیا حکومت کرد. او به‌روشن‌ترین نشان داد که فوتبال یکی از قوی‌ترین ابزارهای تبلیغاتی برای یک حکومت ایدئولوژیک است. در سال‌های اولیه حکومت فاشیستی، موسولینی علاقه کمتری به فوتبال ایتالیا داشت. از اوایل دهه ۱۹۲۰، پس از سرکوب مخالفان سیاسی و پس از پی بردن به پتانسیلی که فوتبال در انتقال ایدئولوژی فاشیستی به مردم ایتالیا دارد، او به فوتبال بیش‌تر علاقه‌مند شد.

زمانی که فاشیست‌ها در این ورزش مداخله کردند، فوتبال باشگاهی ایتالیا در وضعیت وخیمی قرار داشت. مسابقات خشونت‌بار بود و این پرخاشگری حتی بر نتیجه بازی‌ها نیز تأثیر می‌گذاشت.

سیمون مارتین، محققی که دوران فاشیستی ایتالیا را بررسی کرده است، از بازی بولونیا و جنوا به‌عنوان نمونه وحشتناکی از این اتفاق یاد می‌کند. در طول این بازی، شبه‌نظامیان فاشیست پس از یک تصمیم بحث‌برانگیز داور، با اسلحه به زمین حمله کردند. این اقدام منجر به تغییر تصمیم داور شد و بولونیا درنهایت توانست بازی را با پیروزی پشت سر بگذارد. تکرار مواردی مانند این نمونه، منجر به اعتصاب داور در سال ۱۹۲۶ شد که البته با مداخله فاشیست‌ها موضوع حل شد!

حکومت سعی کرد جمعیت حامی فوتبال را تحت کنترل درآورد. برای رسیدن به این مقصود مدیریت فوتبال را نیز در اختیار خود گرفت. مدیریت جدید تحت کنترل فاشیست‌ها، دارای استقلال کامل و سیطره بر تمام مسائل فوتبال بود. مدیرانی که قدرت آن‌ها مستقیماً از خود موسولینی نشأت می‌گرفت. ماهیت اقتدارگرایانه جایگزین سیستم قبلی شد. این سازمان جدید فوتبال منعکس‌کننده ایده‌های ایدئولوژیک فاشیستی بود و تشویق به اطاعت بی‌چون و چرا از رهبر را تبلیغ می‌کرد.

اما با پایان حکومت فاشیستی، کنترل حکومت بر فوتبال نیز پایان یافت و ورزش تا حدودی به جایگاه پیشین خود بازگشت. اما برخی از تبلیغات فاشیستی به فرهنگ عمومی فوتبال دوستان ایتالیایی ماندگار شد که همچنان هم باقی است.

اما برخی از کارشناسان ورزشی، «هیتلر» را مبدع و مروج «ورزش سیاسی» یا «به ورطه سیاست کشیدن ورزش» قلمداد می‌کنند. بنابراین، در میان استفاده‌های گوناگونی که از ورزش به‌عمل آمده، تبلیغ شعارهای ملی و یا حتی تهییج احساسات ناسیونالیستی نوعی استفاده از ورزش است.

گویلز، وزیر تبلیغات هیتلر، در جریان المپیک ۱۹۳۶ اعلام کرد:

«... مردم نباید اشتباه کنند و تصور نمایند که منظور ما از برگزاری بازی‌های المپیک صرفاً ورزش است بلکه ما

می‌خواهیم از این فرصت استفاده کرده و برتری نژاد ژرمن به جهانیان را یک بار دیگر ثابت کنیم.»^۱

و در پی او، ژنرال «درست»، وزیر فرهنگ هیتلر، درباره ورزش گفت:

«قابلیت و استعداد ورزشکاران برای ما مهم نیست، بلکه قبل از هر چیز مسابقه‌ی سیاسی آن‌ها اهمیت دارد.»^۲

گرایش سیاسی آلمان نازی و بروز آن در المپیک ۱۹۳۶ عکس‌العمل‌های متفاوتی در پی داشت. این عکس‌العمل‌ها (تحریم المپیک) در حالی صورت می‌گرفت که تحریم‌کنندگان المپیک آلمان خود نیز به هیچ روی عاری از جهت‌گیری، سیاسی و اقتصادی نبودند و تنها نگرانی آن‌ها این بود که آلمان نازی سعی در استفاده تام و تمام از این فرصت بزرگ یعنی المپیک داشت. به موازات این امر، برخی از دول اقدام به برگزاری بازی‌های المپیک منطقه‌ای کردند.

یکی از ورزشکاران با سابقه در مجموعه مقالاتی که با عنوان «نقش سیاست و ورزش» درباره برگزاری این بازی‌ها از کتاب تأثیر سیاست در ورزش که یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های سال ۱۹۷۱، ترجمه کرده، می‌نویسد:

«شدیدترین و موثرترین علتی که انزجار دول مختلف را علیه بازی‌های المپیک برلن و حکومت نازی‌ها نشان می‌داد، ترتیب مسابقات مختلف بعضی از کشورها پیش از بازی‌های المپیک بود که نتایج‌شان بازی‌های مذکور را تا اندازه‌ای تحت‌الشعاع قرار داد. نخستین و بزرگ‌ترین این مسابقات بازی‌های یهودیان در سال ۱۹۳۵ بود که در تل‌آویو صورت گرفت. که به آن نام «المپیک یهودیان» داده شد. در سال پیش از المپیک یعنی در سال ۱۹۳۷ هم مسابقات بزرگی در «آنت ورپ» بلژیک برای کارگران تشکیل شد.»^۳

«گاستون مایر» که در میان نویسندگان مطالب ورزشی به‌عنوان پیر عرصه ورزش جهان شناخته می‌شد و از اعضای اتحادیه روزنامه‌نگاران ورزشی فرانسه بود، درباره «ورزش و سیاست» به‌وجود سه نظریه اشاره می‌کند:

«۱- فلسفه خیال‌پرستانه یا ایده‌آلیستی طرفداران نجابت و پاکی محیط ورزشی؛

۲- دسته دولتی‌ها، آن‌ها که صاف و صریح معتقدند، بدون دخالت سیاست نمی‌توان ورزش را بنا نهاد؛

۳- آن‌ها که این دو را جدا نمی‌دانند و حال را ملاک قرار می‌دهند. نه تحکمی از سوی سیاست بر ورزش می‌شناسند و نه سلامت کامل دور از سیاست را برای ورزش قائل‌اند.»

«مایر» نمی‌تواند پیوستگی مناسبات عملی را با مبانی فرهنگی دریابد، از همین روملاک او «ورزش مدرن» اروپایی است. ورزشی که در خود بار فرهنگی خاصی حمل می‌کند. این پیوستگی را از عبارت زیر می‌توان به خوبی دریافت.

عبارتی که سیاست‌مداران استعمارگر و سرمایه‌داران یهودی به خوبی آن را درک کرده‌اند:

«... ورزشکاران درست مثل میسیونرهای مذهبی هستند که در اوایل قرن ۱۸ و اواخر قرن ۱۷، کلیسا بر سرزمین‌های

ناشناس می‌فرستاد، تا در آنجا برای تبلیغ مسیحیت فعالیت کنند. قهرمانان از یک روش مخصوص و از یک شیوه

خاص حساب شده پیروی می‌کند و این شکل را در اختیار دارند و حتی حاضر نیستند این مبلغین گران‌بها را به آسانی

از دست بدهند، آهسته آهسته به مقصود خود نزدیک می‌شوند. تعجب اقوام بدوی را برمی‌انگیزد و با برانگیختن این

تعجب نقش شگرف خویش را آغاز می‌کنند.»^۴

«وینستون چرچیل» نخست وزیر سابق انگلستان، به ورزش جدید مخصوصا فوتبال توجهی ویژه داشت. او در این باره می‌گوید:

«صلاح در این است که ملت‌ها در میدان‌های ورزشی درگیر شوند نه در میدان‌های جنگ.»^۵

بازی‌های دسته جمعی، میدان را برای جلب تماشاگر فراهم می‌سازد و این مطلوب سیستم سرمایه‌داری است که با استفاده از این فرصت و نیروی بالقوه نهفته در این بازی‌ها، اسباب بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی وسیعی برای خود فراهم آورد. این مطلوبیت، همواره جامعه ورزشی جهان در تحت سلطه و نفوذ حاکمیت سیاسی و عوامل پشت پرده اقتصادی آن قرار داده است. کارتل‌های بزرگ همه سعی دارند قهرمانان خود را تربیت کنند تا بتوانند به راحتی از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

دکتر «لویی شارنیه» در کتاب زنجیرها و پیوستگی‌ها از زبان «پاترسن» بوکسور حرفه‌ای آمریکایی می‌نویسد:

«سفیدپوست‌ها ورزش‌های ظریف را به خود اختصاص داده‌اند... قهرمان‌ها دیگر برای دولت آمریکا وثیقه و افتخار نیستند بلکه وسیله‌ی نشان دادن قدرت هستند. همان طوری که در مسابقه موشک‌ها و اقمار مصنوعی آمریکایی می‌خواهند با حریف سیاسی‌اش مبارزه کند... به این ترتیب ورزش از مجرای که باید با آن فکر کرد دور می‌افتد... دلارها از یک سوی ماشین به درون می‌روند و از سوی دیگر قهرمان‌ها بیرون می‌آیند. در این ماشین انسان کشته می‌شود... قهرمانان آمریکایی هرگز چهره واقعی اربابان خود را ندیده‌اند.»^۶

«گاستون مایر» نویسنده سرشناس فرانسوی همین معنی را در عبارتی کوتاه چنین بیان می‌کند:

«دروغ بزرگ ورزش از سیاست جداست.»^۷

همچنین کتاب «تاریخ مردمی فوتبال» نوشته میکائیل کوریا توسط نشر افکار در دو جلد با عناوین فرعی «فقرا فوتبال را آفریدند» و «ثروتمندان فوتبال را دزدیدند» منتشر شده است.

کتاب «تاریخ مردمی فوتبال» اثر میکائیل کوریا با ترجمه علی انتصاری توسط نشر افکار منتشر شده است. این اثر در دو جلد با عناوین فرعی «فقرا فوتبال را آفریدند» و «ثروتمندان فوتبال را دزدیدند» منتشر شده، ترجمه‌ای است از متن تک‌جلدی Une histoire populaire du football که به زبان فرانسوی نوشته شده است.

عنوان انتخابی مترجم برای دو جلد کتاب به بنر هواداران باشگاه آفریقایی تونس در بازی با پی‌اس‌جی، ۴ ژانویه ۲۰۱۷ با شعار «فقرا فوتبال را آفریدند، ثروتمندان آن را دزدیدند» اشاره دارد که آغازگر مقدمه نویسنده است.

میکائیل کوریا (Mickael Correia)، روزنامه‌نگار مستقل و عضو تحریری لوموند دیپلماتیک است. وی همچنین در مجموعه هفتگی نقد اجتماعی و مجله جف کلاک نقش دارد. کتاب تاریخ مردمی فوتبال در فوریه ۲۰۱۸ در مجموعه کتاب‌های آزاد در انتشارات «لا د کوورت» (La Découverte) پاریس منتشر شد و تاکنون به زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی و کاتالان ترجمه شده است.

«تاریخ مردمی فوتبال» در چهار فصل و ۲۲ بخش به متن اجتماعی و حواشی سیاسی فوتبال در کشورهای مختلف جهان می‌پردازد؛ از مناسبات طبقه کارگر انگلستان و فرانسه با فوتبال گرفته تا جنبش می ۶۸ فرانسه؛ مبارزات هواداران فوتبال ضدفاشیسم در ایتالیا و اسپانیا؛ نقش فوتبال در جنبش‌های ضداستعماری الجزایر، ضداشغالگری فلسطین و نیز بهار عربی در مصر؛ نسبت فوتبال با اعتراضات استانبول و مبارزات زنان در فرانسه؛ مبارزات ضدنژادپرستی در فوتبال ایتالیا و ضدکاپیتالیسم در فوتبال آلمان و...

یکی از نمونه‌های سیاسی در جهان فوتبال که مخالف حکومت خود بود، سوکراتس برزیلی است. علاقه او به فوتبال و سیاست در کنار هم، باعث شکل‌گیری جنبش «دموکراسی کورینتیانس» در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی شد. در آن زمان

دیکتاتوری نظامی برزیل رو به پایان بود و باشگاه کورینتیانس سائوپائولو تنها باشگاه ورزشی جهان بود که به عنوان نمادی از مخالفت با حکومت نظامی برزیل، به شیوه‌ای دموکراتیک اداره می‌شد.

او برخلاف بقیه فوتبالیست‌ها که پله و گارینشا قهرمانان‌شان بودند، چه‌گوارا و جان لنون را قهرمان خود می‌دانست. سوکراتس در سال ۲۰۱۰ در گفت‌وگویی به بی‌بی‌سی گفت: «این مردم هستند که به من، به عنوان یک فوتبالیست محبوب، قدرت می‌دهند... اگر آن‌ها قدرت بیان چیزی را نداشته باشند، من به جای آن‌ها حرف می‌زنم. اگر من طرف مردم نبوم، هیچ کس حاضر نبود به حرف‌های من گوش کند.»

برخی از بازیکنان تیم ملی آرژانتین بعدها از حضور در جام جهانی ۷۸ که در زمان دیکتاتوری ژنرال‌های ارتشی و همراه با سرکوب و کشتار مردم بود اظهار پشیمانی کردند و قهرمانی در آن را هم افتخار آفرین ندانستند. لئوپولدو لوکه، مهاجم آرژانتین در آن مسابقات، سال‌ها بعد گفت: «با آن‌چه که اکنون می‌دانم، نمی‌توانم بگویم که به پیروزی خود افتخار می‌کنم.» ریکاردو ویلا نیز می‌گوید: «شکی نیست که از ما سوءاستفاده سیاسی شد.»

در این میان حکومت اسلامی ایران، یکی از حکومت‌های نفرت‌انگیز جهان است. این حکومت جنایت‌کار و جنگ‌طلب و تروریست است به‌طوری که در ۴۳ سال حاکمیتش بخش عظیمی از منابع و ثروت‌های ایران را در جنگ هشت ساله ایران و عراق، جنگ‌های نیابتی، تروریسم، دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی و... بر باد داده و بخشی را نیز به تاراج برده‌اند. در واقع همه دم و دستگاه حکومت اسلامی، ایران را به عنوان کشوری اشغال شده و مردم را نیز به عنوان اسرا تصور کرده‌اند و به همین دلیل، هر نوع زورگویی و قلدری، شکنجه و اعدام به عقل علیل‌شان رسیده بر سر اکثریت مردم ایران آورده‌اند. اما اکنون کادر به استخوان مردم رسیده و بیش از این تاب تحمل این حکومت را ندارد. از این‌رو، عزم و اراده کرده‌اند تا این حکومت را روانه گورستان تاریخ نکنند و جامعه دل‌خواه خود را به وجود نیاورند آرام و قرار نگیرند. در مقابل حکومت نیز تمام قدرت نظامی و سیاسی خود را بسیج کرده است و به هر ترفندی متوسل می‌شود تا شاید با سرکوب و کشتار بیشتر بتواند چند صباح دیگری حاکمیتش خون‌بارش را حفظ کند. اما همگان می‌دانند که دیگر حکومت اسلامی به هیچ‌وجه نمی‌تواند شرایط جامعه ایران را به دوران قبل از قتل مهسا برگرداند.

بازیکنان تیم فوتبال در بازی اول مقابل انگلستان سرود جمهوری اسلامی را نخواندند اما در دو بازی بعد با خواندن این سرود و سکوت در مقابل خیزش انقلابی در ایران، بسیاری از مردم را در مقابل خود قرار دادند.

در تحلیل‌هایی که بعد از شکست تیم جمهوری اسلامی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده بسیاری بر این نکته تاکید کرده‌اند که این تیم هم در جام جهانی ناکام ماند و هم در به دست آوردن دل مردم و هر دو موقعیت را باخت.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، سعید عزت‌اللهی، بازیکن تیم ملی فوتبال ایران پس از شکست تلخ یک بر صفر ایران مقابل آمریکا و ناکامی از صعود به مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، گفت: فوتبال تمام شد اما زندگی ادامه دارد و درس خوبی برای ما شد. امیدوارم مردم ما را ببخشند. فقط می‌توانم بگویم معذرت می‌خواهم.

در جهان امروز، متأسفانه میدان ورزش به جای این که بستری مساعد برای بیان و تقویت انواع گرایش‌های آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه، انسان‌دوستانه و همبستگی مردمی باشد بیش‌تر در معرض سوءاستفاده دولت‌ها و گرایش‌های ارتجاعی ملی‌گرایانه و فاشیستی و تفرقه‌اندازی قرار دارد.

این تجربه، اصولاً باید هشداری باشد به همه جریان‌های داخلی و خارجی که به معاملات و بده و بستان‌های اقتصادی و سیاسی خود با حکومت اسلامی ادامه می‌دهند. چرا که نیروی جوان پرشور و انقلابی ایران، هوشیارانه هرگونه تحرک آن‌ها زیر نظر دارد و در سینه تاریخ ثبت می‌کند تا به موقع از آن‌ها حسابرسی کند.

اکنون جنبش انقلابی اخیر ایران، زنگ خطر را با شعارهایی همچون «زن، زندگی، آزادی»، «توپ تانک فشفشه بخوند باید گم بشه»، «حکومت بچه‌گش نمی‌خوایم» و...، برای حکومت اسلامی به صدا درآورده است. اکنون هم جامعه ایران و هم حکومت اسلامی و همه جوامع بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که دیر و یا زود حکومت اسلامی رفتنی است.

شنبه دوازدهم آذر - قوس - ۱۴۰۱ - سوم دسمبر ۲۰۲۲

منابع:

- ۱- کیهان ورزشی، ۱۳۴۲، ص ۸.
- ۲- همان، س ۵۰، ش ۹۱۵، ص ۱۷.
- ۳- همان، س ۴۲، ش ۴۰۷، ص ۳.
- ۴- فتحی، هوشنگ، فوتبال، خشونت و سیاست، ص ۸۴.
- ۵- کیهان ورزشی، س ۴۲، ش ۴۰۷، ص ۳.
- ۶- همان، ش ۴۰۳، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۷- همان، ش ۶۳۲، ص ۳.